

شرایط اجتماعی، معیشتی، مناطق سکونت و جمعیت ترکمن‌ها در ایران • دکتر خانگلدی اونق

ÖZET: Hangeldi ONOK, "İran'da Türkmenlerin Toplumsal Hayatı, Geçimi, Nüfusu ve Yaşadığı Bölgeler", *Varlıq: Üç Aylık Türk Dili, Edebiyatı ve Kültürü Dergisi*, İkinci Dönem, Sayı: 11 (Bahar 2018/1397), ss. 59-70.

Bu çalışmada, Batılı devletlerin komploları sonucu Rıza Han'ın darbesiyle Türkmensahra'da diktatör bir hakimiyetin kurulması; tarım, sanay ve ticaret alanlarında İran Türkmenlerinin faaliyetleri; tarım ürünlerinin üretim miktarı, kullanımı ve ürün çeşitliliğinin bir yıllık rakamları; önemli kentlerin tanıtımı ve Kümüşdepe, Akkala, Bender Türkmen, Günbed kavuş gibi kentler hakkında bilgiler; Türkmenlere müracaat yöntemiyle nüfus tahminleri; dinî törenler ve bayramlar gibi konular incelenmiştir.

Açar Sözcükler: Türkmen, Türk, Türkmen Sahra, Gümüştepe, İran.

چکیده: خانگلدی اونق، "شرایط اجتماعی، معیشتی، مناطق سکونت و جمعیت ترکمن‌ها در ایران"، *وارلیق: فصلنامه زبان، ادبیات و فرهنگ ترکی، دوره دوم، شماره ۱۱ (بهار ۱۳۹۷/۲۰۱۸)*، صص. ۵۹-۷۰.

توطنه‌های دول غرب، کودتای رضاخان و استقرار حاکمیت زور در ترکمن صحرا؛ اوضاع معیشتی ترکمنان ایران در عرصه‌های کشاورزی، دامداری، صناعت و تجارت؛ میزان تولید محصولات زراعی و نوع بهربرداری و گونه‌های تولیدات در ترکمن صحرا با نمودار یکساله؛ عناوین شهرهای عمده و توابع؛ توضیح در مورد کوموش‌دپه و شهرهای آق قالا، بندر ترکمن، گنبدکاووس و سایر شهرها؛ میانگین آمار جمعیت با مراجعه به اهالی ترکمن و همچنین مناسک دینی، مذهبی و ایام اعیاد از جمله موضوعاتی است که در این مقاله به آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: ترکمن، ترک، ترکمن صحرا، کوموش دپه، ایران.

این موضوع را از دوره‌های آغاز می‌کنیم که کشورهای دارای صنعت پیشرفته غرب در ادامه سیاست‌های دیرین خود در ضدیت با حضور ترکان در ایران، زمینه روی کار آمدن نیرویی را فراهم می‌کردند که اصالتی غیر از تورک و صفاتی چون فرمانبرداری از غرب و وابستگی بی چون و چرا از آن را داشته باشد.

از این روی به شناسائی نیروهای رشدکننده در درون حاکمیت رو به افول قاجاریان که مرتبط به اصلت فارسی داشته باشد، می‌گشتند که در مسیر آنها رضاخان میرپنج سوادکوهی که در آن ایام به دلیل داشتن روحیه اقتدارطلبی و تهاجمی در درون قوای نظامی رو به ضعف حاکمیت، به سوی ترقی پا نهاده بود، سبز می‌شود و نظر آنها را جلب می‌نماید. در پی آن وی مورد انتخاب فراماسونری‌های غرب صنعتی به سرکردگی امپراتوری بریتانیا قرار می‌گیرد. مرکز فراماسونری بریتانیا وی را در یک روند نیمه آشکار و توطئه‌گرایانه مورد گزینش و به کشور چند ملیتی ایران تحمیل می‌کنند.

وی بعد از سرکوب آزادیخواهان آذربایجان و تورکمن صحرا تا سال ۱۹۲۵ که به جنبش مشروطه‌خواهان در آذربایجان و جنبش عثمان آخون در تورکمن صحرا معروف گردیده بود، تحکیم قدرت می‌یابد. رضاخان میرپنج که قدرت را از طریق توطئه‌های فراماسونری‌های انگلستان که آنها حضور چنین شخصی را در ایران مهیا کرده بودند، بدست آورد، فشار بر ترکان ایران بویژه ترکمن صحرا و آذربایجان شدت بیشتری می‌گیرد.

با کودتای رضاخان میرپنج که زمانی سربازی از اهالی سوادکوه در دربار قاجاریان بود، جهت تثبیت حاکمیت خود بر مسند قدرت یک سری رفرم‌های دیکته شده از جانب دول سرمایه‌داری غرب به ویژه بریتانیای بزرگ که صنعت آنها می‌بایست در بازارهای ایران به فروش برسد، به مورد اجرا گذاشته شده بود. از جمله معروف‌ترین آنها مالیات قند و شکر که به بهانه تأسیس راه آهن دولتی بر مردم ایران تحمیل گردیده بود که همگام با آن در ترکمن صحرا با مصادره زمین‌های ترکمن‌ها، مردم را بر روی زمین‌های خودشان به «بیگاری» می‌کشاند. در راستای اجرای این طرح مایشینری را از میان خود مردم که تمایل به اطاعت سر بسته از رژیم جدید را داشتند، انتخاب می‌کردند که از جانب آنها موجب تفرقه در بین طایفه - تیره‌های ترکمن گردیده و از سوی دیگر از طریق ایجاد اختلاف در بین این طوایف چند دستگی در بین آنها را فراهم و از این طریق زمینه استثمار بی چون و چرای ترکمن‌ها را در دستور برنامه‌های جاه‌طلبانه خود بوجود آورده بود. چنانچه در بین مردم خوجه نفس معروف است در میان این مباشرین شخصی بنام طوق بردی قارا خشونت بیش از حدی را برای دهقانان فقیر اعمال می‌کرده است که در فصول آینده به روایتی که در این باره در بین مردم رواج دارد، خواهیم پرداخت. بازماندگان وی تا دوره محمدرضا پهلوی نیز در آن اکناف حضور داشته و عامل فجایع بسیاری در بین طایفه - تیره‌های منطقه خوجه نفس گردیده بودند.

حضور رضاخان میر پنج بر مسند قدرت، با سرکوب آزادیخواهان ترکمن آغاز شد. اولین اقدامی که به انجام رساند به اصطلاح معروف به «تخته قاپو» کردن خانه‌های اهالی ترکمن بود. در اجرای این امر وانمود می‌کرد که ترکمن‌ها یک طایفه کوچرو است که باید به یکجانشینی روی آورند. در این رابطه جالب است به پژوهش‌های محقق جوان ترکمن مایسا ایری در کتاب «سیری در تاریخ تورکمن» رجوع شود. وی چنین می‌نویسد: «رضاخان برای خلع سلاح ترکمن‌ها، اقدامات وحشیانه‌ای در ترکمن صحرا اجرا کرد، کشتار اهالی و سوزاندن روستاها مثل آتش زدن روستای سلاخ که مردم آن نواحی را از طرف خوجه نفس به توپ بستند. عده زیادی از سربازان ارتش در عملیات جنگ و گریز در فاصله میان خوجه نفس و سلاخ کشته شدند. در مدت خلع سلاح تا ۱۳۰۵، تعداد ۵۸۹۷ قبضه تفنگ گوناگون، ۸۰ رولور، یک قبضه مسلسل و ۱۹۲۸۴ عدد فشنگ جمع آوری گردید.» (ایری، ۱۳۸۴: ۱۱۰). رضاخان در اجرا و سیاستگذاری این امر در سراسر تورکمن صحرا از طریق گماشته‌های نظامی خود، شدیداً حکومت نظامی به راه انداخته و از این طریق اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کرد. در حالی که گروه کوچکی از طوایف دامدار بودند که هر ساله جهت معیشت دام‌هایشان، بیلاق - قشلاق می‌کردند. اما گروه عمده ترکمن‌ها قبل از رضاخان همواره یکجانشین بودند و به کار کشاورزی، زراعت،

شرایط اجتماعی، معیشتی، محل سکونت و جمعیت ترکمن‌ها در ایران / خانگلدی اونق 61

ساختمان سازی، صیادی و صنایعی از قبیل استخراج نفت، تجارت با کشورهای همجوار روسیه، قزاقستان، آذربایجان و انزلی و نوسازی که تا به امروز رواج دارد و ... اشتغال داشتند. البته همچون هر جامعه دیگر، جامعه ترکمن نیز به ۲ گروه «چارواداران» یعنی دامداران کوچ‌رو و «چومورها» که اهالی یکجانشین که به فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی مشغول بودند، تقسیم می‌شده است.

"خیلی از محققین به اتفاق معتقدند که در قرن نوزدهم گروهی از جمعیت ترکمن‌ها را به یکجانشین شهری و گروهی دیگر را هم به دامداران که در ایام بیلاق - قشلاق در آلچیق‌ها زندگی می‌کردند، تقسیم نموده بودند. از این جهت اقتصاد و معیشت آنها عمدتاً کشاورزی و دامداری بوده است. بدین ترتیب جمعیت عمده آنها را که با کار کشاورزی و زراعت مشغول بودند به «چومورها» و جماعتی را که با دام سرکار داشتند به عنوان «چارواداران» شناخته می‌شده است» (Annanepešov, ۱۹۷۲: ۷۲).

رضا خان زمین‌های ترکمن‌ها را عمدتاً به نام خود سند مالکیت صادر کرده و سپس آنها را به امرای تحت فرمان خود واگذار می‌نموده است و یکی از عمده‌ترین آنها سرهنگ زاهدی و بعدها سرهنگ مزین بود که در بیشتر امور ملوکانه رضاخان در تورکمن صحرا خشونت بیش از حدی را بر ترکمن‌ها تحمیل کرده بودند و حتی یکی از روستاهای ترکمن صحرا را به آتش کشیده بودند. که قبل از آن در این روستا قشون عثمان آخون به فرماندهی یکی از سرداران بنام وی، آنالگدی سردار بر قشون رضاخان پیروز شده بود و در آن جنگ یکی از سران رژیم بنام «سرهنگ بصیری» و چندین نفر از اعضاء عالی رتبه رضاخان کشته شده بودند که آن روستا بعدها بنام آن سرهنگ منحوس نامگذاری گردیده بود. ولیکن اهالی ترکمن آنرا همواره به نام سلاخ می‌شناسانند، جز در مراسلات دولتی آن نام در بین مردم منسوخ شده بود. در مرحله دوم این نبرد قشون رضاخان از همه طرف به تورکمن صحرا حمله ور شده بودند. هنگامی که سرهنگ زاهدی از جانب بندر گز وارد ترکمن صحرا شده بود، از سران طوایف ترکمن خواسته بود خود را تسلیم نمایند. در این رابطه گروه کوچکی تسلیم شده بودند، اما تعداد بسیاری از قشون عثمان آخون به رهبری آنالگدی سردار در خوجه نفس و دیگر مناطق ترکمن‌نشین مقاومت کردند و با قشون رضاخان تا مدت‌ها جنگیدند. از آنجایی که نیروهای زاهدی مجهز به آخرین سلاح‌های کشورهای غربی بویژه انگلیسی بود، بسیاری از آنها را به هلاکت رسانیدند. قبور آن شهدا تا مدت‌ها بصورت تپه‌ای بزرگ که دسته جمعی دفن شده بودند، همجوار با گمرک تخریب شده شهر خوجه نفس که در حال حاضر در آنجا مدرسه دخترانه‌ای بنا شده است، نمایان بود و اهالی خوجه نفس خاطره‌های ناگواری در این رابطه از آن واقعه داشتند. عوامل رضاخان جهت انتقام‌گیری از ترکمن‌ها روستای سلاخ را همراه با اهالی آن به آتش کشیده بود! ...

در اینجا لازم است به حدود مرزی ترکمن صحرا اشاره کنیم که: «دشت گرگان یعنی تورکمن صحرا که در بخش سفلی رود اترک واقع شده، «از



ترکمن صحرا

جنوب به دامنه‌های انبوه جنگلی کوه‌های البرز که تا بخش گوشه‌های شرقی آن تداوم داشته و از سمت شرقی، محدود به کوه‌های خراسان می‌شود» (کسرائیان و عرشی، ۱۹۹۱: ۲۵). "بر اساس اطلاعاتی که در دست ما موجود است، تا سال ۱۹۹۲/م، ۱/۵ میلیون جمعیت خالص ترکمن در محدوده‌ای بیش از ۲۰ هزار متر مربع در ترکمن صحرا زندگی می‌کنند» (لوگاشووا، ۱۹۹۲: ۵).

در مورد حدود مرزی طبیعی ترکمن‌ها در کتاب سیاح معروف روس گ. س. کارلین در سال ۱۸۳۹، چنین نوشته است: «طوایف ترکمن‌های یموت، در سرزمین‌های حاصلخیزی که با آب رودخانه‌های قره‌سو، گرگان و اترک آبیاری می‌شوند، مسکن دارند. خطوط رودخانه قره‌سو یموت‌ها را از ایران جدا می‌کرده است و اهالی استرآباد (گرگان امروزی) هم آن را به عنوان مرز حقیقی محسوب می‌کرده‌اند. علت آن در کناره‌های جنوبی رودخانه قره‌سو حتی یک روستای فارس‌نشین هم وجود ندارد» (روسکو-تورکمنسکیه آنتاشنیا، ۱۹۶۳: ۳۰۴). اما حکومت پادشاهی ایران به همراه کمک‌های انگلستان توانستند خطوط مرزی را از اترک بکشند.

یکی از سرمایه‌های مهم تورکمنان دامداری و زراعت می‌باشد. «معیشت آنها وابسته به تولید دام و چراگاه‌های دامی است. تعداد زاد و ولد دام‌ها در هر سال دامی بسته به شرایط سال جاری فرق می‌کند. میانگین تعداد زاد و ولد گوسفند و بز، بین ۶۰ تا ۹۰ درصد متغیر است. اما به دلیل مرگ و میر در بین بزها در بعضی از شرایط تعداد آنها به نسبت ۳۰ تا ۶۰ درصد تنزل می‌کند» (ایرونز، ۱۹۷۵: ۱۹۳).

آنها در ایام زمستان گوسفند‌های بچه‌دار را در نزدیکی زیستگاه مسکونی خود، در پناهگاه‌های ویژه‌ای که برای آن در نظر گرفته می‌شود، نگهداری می‌کنند تا از سرما در امان بمانند. چنانچه آب و هوای آنجا خیلی سرد و همراه با بارش تگرگ باشد، به چراگاه‌ها نمی‌برند. در چنین شرایطی آن‌ها را با علف‌هایی که برای چنین ایامی در نظر گرفته شده است، تغذیه می‌نمایند.

به دلیل شرایط اقلیمی ویژه در تورکمن صحرا، فعالیت‌های کشاورزی، صناعت و داد و ستد، در مقایسه با سایر استان‌ها درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد. در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری از تولید قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از ۲ میلیون و ۲۰۰ هکتار مساحت قابل کشت این استان ۲۸ درصد از آن به کشاورزی اختصاص داده شده است. در آن، انواع میوه، غلات و سبزیجات بعمل می‌آید. از این مقدار ۹۸/۶٪ از زمین‌ها را به تولید غله اختصاص داده شده است. وسعت میدان زمین‌هایی که به کشت غله اختصاص داده می‌شود بستگی به باغداری آن منطقه دارد. بطور کلی به تعداد ۷۲ گونه از تولیدات کشاورزی در تورکمن صحرا کشت و برداشت می‌شود.

از موارد یادآوری شده در عرصه کشاورزی دَومین مورد آن مربوط به زمین‌هایی است که در کناره‌های رودخانه‌ها قرار گرفته است. این تعداد از زمین‌های کشاورزی را با تأمین آب از طریق پمپاژ وسایل آبیاری وارد تولید می‌کنند، در واقع «هرجا آب باشد، حیات هم در همانجاست» (Annanepecov، ۱۹۷۲: ۷۴).

از تمام میادین کشاورزی منطقه به تعداد ۵/۴۵٪ از طریق آبیاری و ۵/۵۴٪ نیز اختصاص به کشت دیمی دارد.

تمام آب‌های مورد نیاز کشاورزی در آن از طریق آب باران، گذشته از آن از طریق آب‌های رودها و جوی‌ها، انواع چاه‌های طبیعی و مصنوعی، سدها و حوضچه‌های طبیعی آب تأمین می‌شود. هر هکتار از زمین‌های آبیاری شده را ۲-۳ برابر با افزایش محصولدهی در نظر بگیریم، چنانچه بر روی آب‌های جاری، با ایجاد سدها و حوضچه‌ها به عنوان یک پروژه ملی

شرایط اجتماعی، معیشتی، محل سکونت و جمعیت ترکمن‌ها در ایران / خانگلدی اونق 63

سرمایه‌گذاری گردد، بی‌گمان سطح رشد کشاورزی به لحاظ تولیدات کشاورزی نه تنها منطقه را بلکه کل ایران را نیز می‌تواند به سطح بالایی از رشد و شکوفایی برساند.

جدول زیر وسعت زمین‌هایی که برای زراعت و تولیدات استراتژیکی در سال مزروعی ۱۹۹۵-۱۹۹۶ اختصاص داده شده را نشان می‌دهد (جغرافیای استان گلستان، ۱۳۷۷: ۵۰).

نام محصول زراعی	وسعت زمینهای زراعی (هکت)	تولید (تن)	محصولدهی در هر هکتار (kg)	
			کشت آبیاری	کشت دیمی
گندم	۱۷۷۳۹۳	۴۱۹۸۷۱	۳۱۹۶	۲۰۸۵
جو	۹۶۶۳۳	۱۶۲۰۸۳	۱۸۹۸	۱۶۷۱
برنج	۳۵۵۱۵	۱۲۹۹۸۷	۳۶۶۰	—
پنبه	۱۳۲۶۶۵	۲۳۳۵۰۳	۲۰۱۲	۱۰۱۲
توتون	۳۹۲۳	۴۶۰۸	۱۱۷۵	—
سیب زمینی	۷۹۴۸	۱۴۴۸۸۰	۱۸۹۵۱	۹۶۹۹
گوجه	۵۱۸۹	۱۰۹۴۲۸	۲۳۱۹۳	۱۴۱۹۰
سویا (لوبیا)	۲۳۳۹۵۰	۲۹۶۵۲	۱۳۰۶	۱۰۳۰
آفتابگردان	۱۹۴۷۰	۱۷۴۱۱	۱۱۰۰	۸۸۹
خریزه-هندوانه	۱۳۱۴۶	۱۵۰۲۸۰	۱۴۴۱۷	۹۳۸۰

مناطق مسکونی ترکمن صحرا: ترکمن‌ها علاوه بر شهرها و روستاهای ترکمن صحرا، در شهرستان‌های اقصاء نقاط ایران چون تهران، تبریز، گرگان، ساری، مشهد، بجنورد، تربت جام، درگز و ... که عمدتاً فارس‌نشین و یا ترکیبی از ملیت‌های ایران در آنجا حضور دارند، سکونت اختیار می‌کنند که به علت و معلول آنها در موضوعات آینده خواهیم پرداخت.

شهرهای عمده ترکمن‌ها در محدوده ترکمن صحرا عبارتند از:

کومیش دپه، خوجه نفس (خواجه نفس)، بندر ترکمن، ایسکله، آشور آدا، امچلی و قارقی (در مورد این شهرها امروزه با تغییر نام آن به سیمین‌شهر که هیچ سنخیتی با نام و تاریخ شکل‌گیری آن ندارد مواجه هستیم!)، اینچه بورون، داشلی بورون، کومت قاووس (گنبد کاووس)، مینودشت، کلله، ماراودپه، جرگلان، باشیوسغا (پنج پیکر)، ...

روستاهای عمده ترکمن صحرا عبارتند از:

از جانب کومیش دپه (گمیشان سابق)، خوجه نفس و بندر ترکمن: کومیش دپه‌جیک، آلتین-توقماق، حاجی کلته، گلپوس (کله پست)، فلاجیق، چاریقلی، چاپاقلی، آغیزلی (دهنه)، گامیشلی اویا، قره کیله، غفار حاجی، کملر، سالاخ (بصیرآباد)، اورکیت حاجی، نیازآباد، فاراسو، سویجی وال (سیجیوال)، قاراقاشلی، قارادپه، هاشمانلی، اولی آریق و کیچی آریق (آرخ بزرگ و کوچک)، کؤتیک، قارا اینجیک، صحنه، آق قابر، آق دگیش، اینچه بورون، دانشمنداتا، ...

در شهرستان آق قالا، تعداد روستاهای بالای پانصد نفر، به تعداد ۵۲ روستا می‌باشد. آن به ۲ بخش مرکزی و بخش وشمگیر تقسیم می‌شود. آخرین آمار تعداد روستاهای شهرستان آق قالا به شرح زیر است:

آق تکه خان، آق قیر، اسلام آباد بالا و پائین، آقدگیش علیاء، آغزی بیر، اکیرآباد و امین آباد چسبیده به آق قالا، آنبار آلوم، آنبار دپه، اوچ دپه، اونق یلغای سفلی و علیاء، باغه (شیخ موسی و یولماسالیان)، بادراق ملا، بهلکه (بایرام آخون، داشلی و شیخ موسی)، پیراغاچ، پیرواش (علیاء و

سفلی)، تازه آباد، دپه ظهوریان، جماران، چین سبیلی، حاجی قارا، حبیب ایشان، حیدرآباد، خوجه توپ، خیوهلی، دالیجه، دوگونچی، سخی آباد، ساقاریلغای، سالاق یلغای، سیدلر، شفتالی باغ علیا، شورحیات، شهرک صنعتی آق قالا، شیخ آباد، بلمه سالیان، شیخ دپه، صحنه سفلی، عباس آباد، عثمان آباد، عطاآباد، قاسیم آباد، قانقیرما، قوربان آباد، قارا اینجیک پورآمان، قارادپه آق قالا، قاراداغلی، غیزلی، قالاجیق آق قالا، قوشجان آباد، کورد، گامیشلی یلغای، گوکدپه، محمدآباد، محمدآنلیق، مزرعه کریم حاجی، مزرعه منصور جورجانی، مزرعه نمونه ارتش، میرزالی یلغای، نصرت آباد، یامپی، یولماخندان، ...

نواحی گنبدکاووس: آبادان دپه، آرازمحمد آخوند، آرا قویی، آرتق حاجی، آق آباد، آق بند، آقچالی سفلی، آق قایه، آی نمر، پلنگ اوبه، آچ قوئی، آرتق قلیچ چشمه، ارمی آباد، اسلام آباد (گنبد)، آگری بوغاز، امان قرمجه، امان گول دپه، امیدآباد (گنبد کاووس)، اوقی تپه، ایشانلار، ایگدر سفلی، علیا، ایگدر

ایمر توره ملا، ایمر (حاجی، محمد، محمدقلی آخوند، ملاساری)، اینچه برون، بارانی ها، باغلی ماراما، بایلار، بیزاق آباد، بلوچ ایمر، بورنی اوزین قوجق، بایرام آباد، بی بی شیروان، پیشک تپه، پشمک پناده، پشملر، پبلی حاجی، تاقان پای پنکه، نورجان تپه، تورشکلی، تکه لر، تنگلی، تونلی کوچک، توقلیجیق دپه، ثمه مختوم، جالانین دپه، چاروا یلغی، چای قوشان (بزرگ و کوچک)، چاپار قویمه، چکر آتا، حاجی بالقان، حاجی قلیچ، حاجی قوشان، حاجی لار قلعه، حالی آخوند، حسن آباد، خوجملی، خایری خوجه (سفلی، علیا و نجف)، داده اولوم، داشلی (سفلی و علیا)، داشلی برون، دانشماند (گنبد کاووس)، داماغ، دیگچه، زابل آباد، زابلی آباد، زابلی محله قوچ مراد، سارجه کر، سارلی (سفلی، علیا و مختوم)، ساری بخش، سرپل، سلاق (آمان، تاجمحمد، غایب، قلیچ دپه، نوری و یاسی دپه، سلطان آلی (آل سولطان)، شورالنگ، شوردگیش، تالخان دپه، عباس آباد، عرب سرنگ، عطاآباد (گنبد کاووس)، عطالار، علی آباد سیستمی ها، عوض حاجی، قاراولار، فجر، فدوی، قاراول دپه، قریان قلیچ ملا، قارا دانگ، قارا کسلخه، قارا ماخر، قاراماد دپه، قزاقلی اوبا، قزلجه پشمک، قالاق بورتته، قالاندارآباد (بالا و پایین)، قوچمراد، قوریلچا، قول حاجی، قویونلی، قیزلار دیار، قاقا، کسگین قوجوق، کلیچه، کوچک (اولوم، بردی کر، خرطوم، دیگ سید و یورت شیخان)، کوزیکلی، گنبد آباد، گنبد کاووس، گوزنی دپه (بالا و پائین)، ماسان کوپ، مامدآباد (گنبد کاووس)، ملا تاغی، ملا تاغی (گنبد کاووس)، ملا علی دپه، ملکه لی آبه، ماتی آباد، میدان مراد، نارلی داغ، نورآباد، هادی آباد، هیجرت، هاوتان، خیومچی (بالا و مرکزی)، یارتی قایه...

بعضی از اطلاعات در مورد شهرهای عمده ترکمن صحرا:

کومیش دپه - یکی از شهرهای قدیمی ترکمن صحرا که اهالی عمده آن را تورکمنان یموت نواحی اترک - گورگن (گرگان) تشکیل می‌دهد، شهرستان کومیش دپه می‌باشد. در بین شهر عمدتاً یموت‌های جعفریای سکونت دارند.

این شهر در کناره ساحلی جنوب شرقی دریای خزر واقع شده است. از نظر طول و عرض جغرافیایی ۵ پریم ۴۵ درجه طول شرقی-غربی و ۶ پریم ۳۷ درجه شمالی-جنوبی عرض جغرافیایی گرینویچ قرار گرفته است. این شهر از مرز شمالی، حدوداً ۵۰ کیلومتری مرز جنوب غربی جمهوری ترکمنستان، از جنوب به شهرستان ترکمن به مرکزیت شهر بندر ترکمن، از شرق به شهرستان آق قلا و از غرب به سواحل دریای خزر محدود است.

"منطقه‌ای که کمیش دپه در آن پدید آمده است، از زمان های بسیار قدیم، تا دوران اخیر، یکی از معروفترین منطقه شهری شناخته شده در منابع تاریخی کشورهای دنیا بوده است. به شواهد

برخی از متون تاریخی رودخانه گرگان از طریق کمیش‌دپه به دریای خزر وارد می‌شده است. مسیر قدیمی رودخانه گرگان در لبه جنوبی تپه «کوره سو» معروف به «کونه گورگن (گرگان)» که گاهی از ایام سال با جوشش آب فصلی دریای اترک در آنجا بهم پیوسته، ادامه آن به بنام «پورسی آقن» از وسط کمیش‌دپه به طرف دریای خزر سرازیر می‌شود.^۱

عنوان این شهر از دوره رضاخان به گمیشان تغییر نام داده شده بود، ولیکن مردم منطقه آن را همواره با عنوان کوموش‌دپه محاوره می‌کنند. (سایر عناوین نوشتاری بصورت‌های: کوموش‌دپه، کمیش‌تپه، گوموش‌تپه، کمش‌دپه، کوموش‌دپه، کمیش‌دپه) می‌باشد. سطح این منطقه نسبت به دریاهاى آزاد جهان ۲۲ متر از سطح آب‌های آزاد جهان پائین است که به نام «جلگه گرگان» شناخته می‌شود.

کومیش‌دپه در دوره قاجاریان به عنوان یک "شهر مرکزی" محسوب می‌شد و در آن همه امکانات شهری از قبیل کارخانه آرد، مدرسه و دبیرستان، بندر تجاری، بازار اقتصادی، گمرکخانه، تلفن - تلگراف، شهربانی، شهرداری، مرکز تجارت ماهی خاویار، تئاتر، خانه فرهنگ و... را دارا بود. ولیکن با روی کار آمدن دولت پهلوی با بی‌توجهی رضاخان مواجه گردید، سپس تمام امکانات این شهر را به شهر تازه متولد شده "بندر شاه سابق (بندر ترکمن کنونی)" منتقل می‌کنند و از آن پس کومیش‌دپه به شهری متروک تبدیل می‌شود و بسیاری از محصلین این شهر به گنبدکاووس و سایر شهرستان‌های مورد توجه دولت مهاجرت می‌کنند. در دوره جمهوری اسلامی نیز، این وضع به همان منوال با بی‌توجهی دولتمردان جمهوری اسلامی مواجه گردید. ولی پس از سالیان طولانی در سال ۱۳۸۸ رای به شهرستان شدن آن می‌دهند. اما با وجود شهرستان شدن آن همچنان توجه چندانی به پیشرفت امکانات شهری آن نمی‌شود.

به لحاظ آب و هوایی، بخش جنوبی منطقه تحت پوشش آب و هوای ملایم دریای خزر قرار گرفته و بخش شمالی آن زیر تأثیر صحرای قاراقوم ترکمنستان نیمه صحرایی محسوب می‌شود. چنانچه مساحت کمی از منطقه استعداد زراعی داشته باشد، زمین‌ها عمدتاً شور و در سالهایی که باران اندک می‌بارد قابل کشت نیست. از این رو مردم آنجا عمدتاً به فعالیت‌های دامداری و صید ماهی از دریای خزر رو می‌آورند. زندگی مردم کومیش‌دپه ارتباط تنگاتنگی با دریا دارد. چنانچه بگوئیم یکی از دلایل استحکام شرایط شهری در کمیش‌دپه وجود دریا و داشتن امکانات صید ماهی از آن است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. در اینجا انواع ماهی از قبیل اوزین بورون، تاس ماهی، گورینچ، فیل ماهی، تیرانا، دوقی، آق بالیق (ماهی سفید)، قارا بالیق (کفال)، ماهی آزاد، کپور، چاپاق (تلاچی)، سیله و تاغغاز^۱ ... صید می‌شود.

تعدادی از اهالی نیز در صنایعی از قبیل کارخانه‌های آرد مشغول هستند. از دیگر اشتغالات مردم، فعالیت در حوضچه‌های پرورش میگو و فرآورده‌های ماهی مشغولند. بزرگترین حوضچه پرورش میگو در کومیش‌دپه با مساحتی برابر با چهار هزار هکتار در حال فعالیت و توسعه می‌باشد و تلاش برای توسعه شهر با احداث شهرک تخصصی شیلات، ایجاد بازارچه مرزی در شمال شهر کومیش‌دپه، ایجاد بندر تجاری در غرب کومیش‌دپه و در شهر خوجه نفس همچنین توسعه گردشگری ساحلی در روستای چارقلی از جمله برنامه‌های آتی این منطقه جهت گسترش امکانات شهری آن است.

از دیگر فعالیت‌های اقتصادی اهالی قالیبافی و بعضاً نمدبافی می‌باشد. قریب به اتفاق زنان و دختران کومیش‌دپه در جوار تحصیلات خود علایق و اشتغال به این رشته از صنایع تولیدی دارند. دختران کومیش‌دپه بر روی دارهای قالی نقش‌های بسیار زیبای تورکمنی - ملی می‌بافند

^۱ دلیل آوردن نام‌های ترکمنی این فرآورده‌های دریایی اهمیت ملی - اقتصادی آن است که اصولاً ترجمه نمی‌شود.

که بسیاری از سیاحان جهان درباره آن سخن گفته‌اند. "یموت هالی"، «کنجیبه ناقیش»، «خوجابین گؤل»، «ماری گؤل»، «قفسه گؤل»، «دیرناق گؤل» و «آق قالی»، "کومت ناقیش"، ... از جمله نقش‌های ایده‌آل و نوبافته‌های زنان و دختران کومیش‌دپه می‌باشد.

عمده تولیدات کشاورزی در کمیش‌دپه گندم و جو، پنبه، آفتابگردان خریزه و هندوانه و تا حدودی نیز اخیراً سویا و کلزا می‌باشد. چنانچه کشتزارهای کناره‌های رودخانه گرگان را در نظر نگیریم، بعلت عدم وجود آب کشاورزی، زراعت پیشرفت چندانی نداشته و در سایر نقاط ناحیه کشت به صورت دیمی که بسته به بارش نزولات طبیعی، کمیت محصولدهی آن متغیر است، صورت می‌گیرد....

آخرین برآورد جمعیت تورکمن صحرا:

در شرایط امروز مشکل می‌توان برآورد دقیقی از جمعیت ملیت‌های ساکن در ایران ارائه داد. زیرا با سیاست‌گذاری‌هایی که در جهت یکسان‌سازی جمعیت ایران و مستحیل کردن اقلیت‌های ملی پیش برده می‌شود، یکی از برنامه‌های پنهان آن کمتر نشان دادن جمعیت ملیت‌های ساکن در ایران از قبیل ترک‌های آذربایجانی، تورکمن‌های تورکمن صحرا، عرب‌های جنوب ایران و بلوچ‌های جنوب شرقی می‌باشد.

در این رابطه آقای ع. الف یکی از همکاران ترکمن نشریه وارلیق نتایج تحقیقات خود را چنین بیان می‌کند:

متأسفانه با برنامه‌هایی که از جانب دولت و اداره کل آمار در منطقه پیش برده می‌شود، آمار قابل قبولی را کسی نمی‌تواند ارائه بدهد. بدین جهت تنها راه در این مسئله جز تخمین هیچ کاری نمی‌توان انجام داد.

اینجانب در رابطه با تعداد جمعیت ترکمن صحرا از شهرستان کوموش‌دپه تا شهرستان مراوه تپه، از دوستان فعال در امور فرهنگی جویا شدم. اما در نهایت اینجانب طبق آمار رسمی که اداره کل آمار و سرشماری ارائه داده بود، به نتایجی رسیدم که می‌توان به حدس و گمان‌هایی در رابطه با میانگین جمعیت ترکمن صحرا دست یافت.

طبق آمار رسمی که در سال ۱۳۸۵ ارائه شده بود، جمعیت استان گلستان ۱۶۱۷۰۸۷ نفر بوده است و با آمار تقریبی از شهرهای ترکمن‌نشین جمعیت ترکمنها در آن سال چیزی در حدود ۶۷۰۰۰۰ نفر بوده است و با احتساب اینکه هر پنج سال دویست هزار نفر به تعداد جمعیت اضافه شده باشد، تا سال ۱۳۹۵ می‌توان میانگینی در حدود ۱۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و با احتساب چهارصد هزار نفر از ترکمنهای استان خراسان، جمعیت ترکمنهای ایران ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر خواهد بود. حال آنکه نکته‌ای دیگر، در جلسه بهمن ماه سال گذشته اصلاح طلبان گلستان، از جانب جبار ایری فرماندار سابق بندر ترکمن در مورد جمعیت ترکمنها اعلام گردید، چنین بود که در آن ۳۶ درصد در استان گلستان برآورد شده است. در مقابل، استاندار در واکنش به او ۳۳ درصد از جمعیت استان را ترکمن اعلام کرد. حال طبق آمار رسمی آمارگیری شده در سال ۱۳۹۰ اگر جمعیت استان ۱۷۷۷۰۰۰ نفر بوده باشد، با آمار ارائه شده از جانب جبار ایری تعداد جمعیت ترکمنها ۶۴۰۰۰۰ نفر و طبق آمار استاندار ۵۸۶۰۰۰ نفر هستند که به نظر هیچ کدام از آن‌ها درست نیست.

با این حال بر طبق آمار "Iran The Central International World Factbook" که در وبسایت مربوط به آن ارائه شده است، تعداد جمعیت ترکمنهای ایران ۱۳۲۸۵۸۵ نفر بوده است، که به آمار ارائه شده ما نزدیکتر است و ما همان ۱/۵ میلیون جمعیت را که در سال ۱۳۹۰ سرشماری

شده است، با احتساب دویست هزار نفر طی پنج سال گذشته بطور میانگین در نظر بگیریم، تقریباً می‌توان گفت که جمعیت ترکمن‌های ترکمن صحرا به تعداد ۱۷۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. طبق سرشماری اداره کل آمار ایران ۶۰ درصد از این جمعیت جوان هستند که نصف آن را زنان تشکیل می‌دهند.

همچنین قابل ذکر است که با توجه به آمار سرشماری که از جانب محققین خارج از ایران همچون پژوهشگر تاریخ ترکمنهای ایران از آکادمی علوم روسیه دکتر لوگاشوا بی بی رابعه در سال ۱۹۹۲ به تعداد ۱/۵ (یک و نیم) میلیون برآورد کرده‌اند (Логашова, 1992). علی‌رغم آن در سرشماری رسمی سال ۱۳۸۵ که تعداد جمعیت شهرهای ترکمن نشین ترکمن صحرا ۷۶۵۴۶۹ اعلام گردیده بود، که این سرشماری بدون احتساب روستاهای ترکمن نشین علی آباد، آزاد شهر، گالیکش، مینودشت و گرگان صورت گرفته است. در این حالت جمعیت بسیار زیادی از ترکمن‌ها به دلیل شیوه تقسیم‌بندی روستاهای ترکمن با سیاست‌گذاری‌های معنی‌دار رژیم در جهت کمتر نشان دادن جمعیت ترکمنها، سعی شده است این روستاها را تا حد امکان به نواحی فارس نشین تابع کنند، تا در رای‌گیری‌ها و نیز قبولاندن تصمیم‌های نادرست به علت تفرق در تعداد آنها، راحت‌تر صورت پذیرد، قابل تأمل است. بنابراین با میانگین تقریبی از ترکمن‌های شمال خراسان و تربت جام که هرگز آمار دقیقی از آنها اعلام نشده است، ما جمعیت ترکمن‌های ایران را چیزی در حدود ۲ الی ۲/۵ میلیون نفر باید در نظر بگیریم که این تعداد از جمعیت به نظر معقول‌ترین تعداد سرشماری از جمعیت ترکمن‌های ایران می‌باشد. ...

مناسک دینی و مذهبی در بین ترکمن‌ها:

در قرون گذشته سواد آموزی در بین ترکمن‌ها به شکل دینی بوده است. در این امر حجره‌های مساجد نقش عمده‌ای در سواد آموزی اهالی داشته است. چنانچه یکی از محققین در این مورد می‌نویسد: «در پژوهش‌های علمی در مورد نگرش خلق ترکمن به آموزش و پرورش در قرن ۱۹م، به چنین سطرهایی بر می‌خوریم. در مورد نیمه اول این قرن، آ. بورنس چنین نوشته است: «در بین ترکمن‌ها مسجد نیست. آنها نمازهای خود را در آلاچیق‌ها یا در میدانی باز که جهت اقامه نماز جماعت در نظر گرفته می‌شده است، بجای می‌آوردند. در بین آنها شمار ملاها زیاد نیست، در کل روحانی‌ها در بین آنها از احترام زیادی برخوردار نبوده‌اند» (بورنس، ۱۸۶۳: ۸۳).

با این حال آنها مسلمان و دارای مذهب اهل تسنن و پیرو ابوحنیفه هستند. در بین ترکمن‌ها، اعیاد و جشن‌ها عمدتاً جنبه مذهبی دارند و به آنها «بایرام» نیز اطلاق می‌شود، که عبارتند از:

قوربان بایرام (عید قربان)، ارازا بایرام (عید فطر)، قدیر بایرام، نوروز بایرام (این جشن با نام «ارگنه گون»، «اوغوز بایرامی»، «ایلک گون» یا «بیلباشی» از زمان‌های قبل از اسلام وجود داشته است که در دوره سلجوقیان، آن جشن به «نوروز بایرام» تغییر نام داده شده است. این جشن در بین ترکمن‌ها همیشه در آخر زمستان و اول بهار برگزار می‌شده است.) و نیز آخرین چهارشنبه ماه صفر یا «قارا چهارشنبه» را همراه با مراسمی برپا می‌داشته‌اند. همچنین جشن آق قویین (آق آش) که در سن ۶۳-۶۰ سالگی که به عنوان سن پیامبری می‌دانند، مراسم جشن برپا می‌کنند. همچنین روز عاشورا در میان ترکمن‌ها قدر نهاده می‌شود، مراسم مولود که مصادف است با تولد پیامبر، مراسم طلب باران و سایر مناسکی که مرتبط با اعتقادات دینی و مذهبی تورکمن‌ها است برگزار می‌گردد ■

منابع:

(۱۳۷۷)، "جغرافیای استان گلستان"، مؤلف: گروه آموزشی جغرافیای استان گلستان، ناشر: شرکت چاپ و نشر

کتاب‌های درسی ایران، شماره ۱۷/ ۱۳۷، ص. ۵۰.
ایری، مایسا (۱۳۸۴)، *سیری در تاریخ تورکمن*، نشر: مختومقلی فراغی، گرگان.
کسرانیان، نصرالله؛ عرشی، زیبا (۱۹۹۱)، *ترکمنهای ایران*، نشر سگه، تهران.

«Русско-Туркменские отношения в XVIII-XIX вв.», Сб. арх., док-ов., Ашгабад, 1963, с. 304.

IRONS, William «*The Yomut Turkmen: A Study of Social Organization among a Central Asian Turkic-speaking Population*» (University of Michigan, Ann Arbor, Museum of Anthropology, Anthropology Papers No. 58: 1975). Pp. 193, 14 tables, 22 figures. 3 charts, 6 plates.

АННАНЕПЕСОВ, М. (1972), "хозяйственные Историю туркмен в XIX-XVIII вв., Ю", Ашхабад.

АННАНЕПЕСОВ, М. «Хози. Историю туркмен в XIX. ...», 74 стр.

БОРНС, А. "Путешествие в Бухару", Москва, 1863 г., Т. 3. Стр. 83. (рассказ о плавании по Инду от моря до Лагора в 1831, 1832 и 1833 годах).

ЛОГАШОВА, Б. "Туркмени Ирана", "Туркменистан сегодня", № 3, Ашхабад – 1992 г., 5 стр.